

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن

سیدعلی مرتضوی امامی زواره*

اصغر افتخاری**

حسین هرسیج***

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی آن است با تأکید بر آیات قرآنی ضمن پاسخگویی به چیستی جنگ نرم، الگوی جنگ نرم را در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی فهم و تحلیل نماید و در ادامه مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهد. بقاء و استمرار نظام‌های دموکراتیک و مردم سالار وابستگی زیادی به قدرت نرم دارد و این مؤلفه‌های است که نظام‌های اقتدارگرا به شدت از آن محرومند. افزایش قدرت نرم توانایی جذب افکار، اذهان و قلوب مردم را فراهم می‌کند و از طرفی دیگر منجر به هم افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه‌سخت در مواقع بحرانی می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد پایه و اساس قدرت جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی از نوع قدرت نرمی است که بر پایه ارشاد است و نه اجبار و اغواء و لذا این نوع قدرت باز تعریفی از نگرش آیات قرآن به قدرت است. مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از فرهنگ اسلام ناب محمدی است که توانسته افکار و اذهان مردم ایران را به خود جلب کند.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، قرآن کریم، جنگ نرم، مردم‌سالاری دینی، شهادت و عدالت، انقلاب اسلامی ایران.

Email: sedaliemami@gmail.com

* دکترای تاریخ گرایش ایران دوره‌ی اسلامی

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۳

مقدمه

شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم آن چه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است بُعد فرهنگی و جنبه‌های نرم افزارگرایانه‌ی آن می‌باشد. در زمانی که در انقلاب‌های دیگر هم عصر این انقلاب، جهانیان حداکثر نظاره‌گر ابعاد مادی انقلاب‌ها نظیر رهایی از استبداد و کسب آزادی و همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه‌ی انقلاب‌ها را نشان داد که یک انقلاب می‌تواند بر پایه‌ی قدرت معنوی و غیرمادی دین نیز استوار باشد و به ضیروزی برسد. امری که در آن زمان غریب می‌نمود و باعث تعجب همگان بود که در قرن بیستم، قرن حاکمیت علم و تکنولوژی، قرن حاشیه‌نشینی دین در خلوت دل‌ها و دوری دین و مرجع شیعیان، هدف از انقلاب خود را انقلاب برای اسلام اعلام می‌کند آن هم در کشوری که شاه آن به دنبال تقلید کامل از غرب و فرهنگ غربی بود و مظاهر تمدن غربی را تمام و کمال تبلیغ و اجرا می‌کرد. این همان حکایت بُعد نرم‌افزاری انقلاب است که تا آن زمان از دیده‌ها پنهان مانده بود و با انقلاب ایران در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها خود را آشکار کرد. از این رو می‌توان گفت که انقلاب ایران انقلابی بر پایه‌ی قدرت نرم بود که توانست با قدرت سخت تا دندان مسلح رژیم پهلوی فائق آید و برتری قدرت نرم ایمان مذهبی را بر قدرت سخت اسلحه و تانگ و مهمات به اثبات رساند. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در تحلیل خود از انقلاب اسلامی ایران بر همین نکته تأکید می‌کند و شاه و قدرت سرکوب آن را مظهر قدرت سخت و خشونت می‌داند و در مقابل قدرت تجمیع شده‌ی مردم که بر پایه‌ی اسلام ایجاد شده است و اراده‌ی عمومی شکل می‌دهد، جنبه‌ی نرم‌افزاری قدرت می‌خواند: «آن چه در ایران مرا شگفت زده کرده است، این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه‌ی اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیسش مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ یافت؛ در یک سو، کل اراده مردم و در سوی دیگر، مسلسل‌ها قرار دارند» (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۶).

این قدرت نرم انقلاب اسلامی در چارچوب کلی گفتمان اسلامی و در قالب آموزه‌های مذهب شیعه عمل کرد و باعث پیروزی بر یک رژیم مستبد و وابسته‌ی به غرب شد. امروز پس از گذشت چندین سال از این انقلاب و حرکت پیروزمندانه‌ی آن در دریای متلاطم سختی‌ها و فشارهای داخلی و خارجی همچنان در قالب همان گفتمان اسلامی در حال حرکت است و پیام قدرت نرم انقلاب خویش را به جهان و به‌ویژه به کشورهای مسلمان مخابره و اعلام می‌کند که می‌توان با تکیه بر آموزه‌های اسلامی‌ی حکومت تشمیل داد و بدون وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر آن را

اداره کرد. حرکتی که در انقلاب‌های کشورهای عربی و شمال آفریقا از تونس شروع شد و بعد از آن کشورهای مصر و یمن و بحرین را در نوردید و همچنان این نهضت‌ها در حال تکثیر و گسترش هستند، در واقع بازسازی همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که در این کشورها در حال وقوع می‌باشند و باعث شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران را وادار به به مشابَهت‌سازی این انقلاب‌ها با انقلاب ایران رهنمون کند.

قدرت نرم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم‌سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار هست. جمهوری اسلامی ایران نیز، به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نمی‌تواند از افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم خود برای حفظ و بقای نظام که از اوجب واجبات هست، غفلت کند. با افزایش قدرت نرم در مواقع عادی هست که می‌توان ضمن توانایی بر افکار، اذهان، و قلوب توده‌ها، به هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه سخت خود در مواقع بحرانی دست یافت. با توجه به رابطه بین فکر سیاسی و عمل سیاسی، در صورت فتح قلوب و اذهان، مردم مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتری را در قالب انتخابات، رأی دادن و حمایت از نظام سیاسی خود خواهند داشت. به علاوه جمهوری اسلامی برای تحقق عملی اصل اعداد و آمادگی همه جانبه در حد توان (سوره انفال: آیه ۶۰)^۱، موظف هست برای تقویت اقتدار نظام تنها به ابعاد سخت و نیمه سخت قدرت بسنده نکنند، علاوه بر آن به افزایش قدرت نرم خود همت گمارد، و با عنایت به غلبه ماهیت نرم‌افزاری جنگ استکبار جهانی علیه ایران، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه نظامی و سخت‌افزاری در ایران و کشورهای افغانستان و عراق، ضرورت دارد اصل مقابله به مثل (سوره بقره: آیه ۱۹۴)^۲ را مدنظر قرار داد و با افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم به مقابله با جنگ نرم مهاجمان و متجاوزین علیه ارزش‌ها و باورهای ایران اسلامی پرداخت.

۱. مرجعیت منابع نرم‌افزاری قدرت بر اساس آیات قرآنی

۱-۱ - هنجارگرایی مبنایی

با رجوع به گفتمان سیاسی قرآن کریم در بحث قدرت مشخص می‌شود که الگوی مطلوب اسلامی، هنجارگرایی مبنایی است که ریشه در اصول و جهان‌بینی اسلامی داشته و از سایر

^۱. و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم-

^۲. فمن اعتدي عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدي عليكم-

نظریه‌های الگوی موجود کاملاً متمایز است. هنجارگرایی مبنایی به معنای برتری و اولویت دادن به هنجارها در برابر عینیت‌ها است. کاربرد اصطلاح «مرجعیت منابع نرم قدرت» از سوی نگارنده بر همین اساس می‌باشد. بدین معنا که در نظریه قدرت قرآن، منابع نرم قدرت در کنار (و هم‌عرض) منابع سخت‌افزاری قدرت به‌شمار نمی‌آیند؛ بلکه منابع ذاتی و اولیه قدرت، هنجاری و تمامی منابع سخت‌افزاری موجود در صورت ارتباط با آن حوزه‌ی هنجاری است که معنا و مفهوم یافته و کارآمد ظاهر می‌شوند. به همین خاطر است که برقراری ارتباط بین «قدرت سیاسی» با «نظریه توحید» (به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم) و تلاش در راستای تقویت و صیانت از آن، از جمله رسالت‌های اولیه و بنیادین نظام‌های اسلامی به‌شمار می‌آید؛ رسالتی که می‌تواند به ارتقاء جایگاه جامعه اسلامی و برتری آن در عرصه عمل سیاسی منتهی شود.

در این ارتباط می‌توان به آیات شریفه زیر استناد نمود که هر یک بیان‌گر گزاره‌ای راهبردی مبتنی بر نظریه هنجارگرایی مبنایی است:

گزاره ۱. عدم اصالت عوامل انسانی

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (انفال، ۱۷)

در این آیه شریفه، خداوند متعال نقش عوامل انسانی را به نفع «امر مقدس» نقد و نفی نموده و تصریح دارد که: «امر مقدس» (به مثابه تنها کانون تولیدکننده مشروع هنجارها) بر امر عینی (عامل انسانی) مسلط است.

گزاره ۲. عدم اصالت کمیت

«كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». (بقره، ۲۴۹)

با توجه به نص آیه شریفه مشخص می‌شود که در قرآن کریم فقط منابع نرم قدرت «مرجعیت» دارند و بایستی به-عنوان کانون‌های اصلی تولید قدرت در نظام اسلامی فعال گردند. سایر منابع در پرتو و در ارتباط با آن‌ها معنا می‌یابند.

مهم‌ترین منابع نرمی که موضوع کلام الهی قرار گرفته‌اند، در جدول (۱) آمده‌اند.

جدول ۱: مرجعیت منابع نرم‌افزاری قدرت

| ردیف | آیه شریفه | مستند |
|------|---|--|
| ۱ | اعتماد...: كَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه القصص (۲۸). آیه شریفه ۷۹-۸۰ |
| ۲ | اراده: ...: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْتَفْسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنِّ وَال | قرآن کریم. سوره مبارکه الرعد (۱۳). آیه شریفه ۱۱. |
| ۳ | توکل: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَعَمَّ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُم غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فِتْرَتِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۲۳-۲۴. |
| ۴ | ولایت: وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۵۶. |
| ۵ | عدالت: لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۸. |

(افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۷)

۱-۲- اخلاقی نمودن «عامل» قدرت

در این ارتباط می‌توان به جدول (۲) مراجعه نمود که در آن ارزش اصول اخلاقی را در معادلات قدرت، مستند به قرآن کریم بیان شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود از منظر قرآنی، اخلاق دارای ارزش راهبردی به شرح زیر است.

الف. اخلاق به افزایش میزان توان‌مندی (در عین ثابت بودن منابع قدرت) منجر می‌شود (ردیف ۱).

ب. اخلاق به زوال ترس و نگرانی نزد عامل قدرت و در نتیجه افزایش ضریب امنیتی وی منتهی می‌شود (ردیف ۲).

ج. اخلاق منجر به افزایش حس مسئولیت‌پذیری در جامعه و تقویت هویت یکپارچه آن‌ها در برابر دشمنان می‌شود (ردیف ۳).

د. اخلاق منجر به اصالت رابطه خالق / مخلوق و در نتیجه بهره‌مندی آن‌ها از قدرت معنوی در مقابله با دشمنان می‌شود (ردیف ۴).

جدول ۲: اخلاقی نمودن «عامل قدرت»

| ردیف | آیه شریفه | مستند |
|------|---|---|
| ۱ | صَبْرِي:.... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه الانفاق (۸). آیه شریفه ۶۵. |
| ۲ | تَقْوَا:.... فَمَنْ أَتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزُونَ | قرآن کریم. سوره مبارکه الاعراف (۷). آیه شریفه ۳۵. |
| ۳ | مَسْئُولِيَتِ يَذِيرِي: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ | قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه (۹). آیه شریفه ۷۱. |
| ۴ | حُب:.... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ | قرآن کریم. سوره مبارکه المائده (۵). آیه شریفه ۵۴. |

(افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۰)

مجموع ملاحظات این بند را می‌توان را در قالب سومین گزاره اسلام به شرح زیر تلخیص نمود:

گزاره ۳. جذابیت اخلاقی قدرت

«فِيمَا رَحِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «پس بنا به رحمت الهی است که با ایشان نرم خو شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، همانا به یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و بر ایشان آمرزش خواه و در کارها با آنها مشورت نما، پس چون عزم جزم نمودی بر خدا توکل نما (که) همانا خداوند متوکلان را دوست دارد» (آل عمران، ۱۵۹).

چنان‌که خداوند متعال در این آیه شریفه به تصریح آورده، کار ویژه اخلاق در حوزه قدرت سیاسی و اجتماعی به تولید و ارتقاء میزان جذابیت «عامل قدرت» مربوط می‌شود. بدین معنا که اخلاق می‌تواند به فتح قلوب و عقول دیگران بدون توسل به زور کمک نماید و از این طریق برتری و پیروزی را برای صاحب آن در پی بیاورد. این گزاره از رهگذر تحلیل الگوی عملی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیه‌السلام) تأیید دو چندان می‌گیرد، آنجا که مشاهده می‌شود بزرگترین دستاوردهای نبوی در مقام مدیریت قدرت، از این ناحیه بوده است؛ چنان‌که ضعف مسلمانان از آن حیث به فروپاشی حکومت علوی و عدم تأسیس نظام‌های حقّه در ادوار پس از آن منتهی شد.

۱-۳- تربیت ایمانی و قدرت نرم توحیدی

«تربیت» را می‌توان رکن اصلی راهبردهای اسلامی برای فعال‌سازی منابع قدرت نرم در جامعه‌ی اسلامی ارزیابی نمود. دلیل این امر آن است که:

- قدرت نرم در گفتمان اسلامی از ناحیه خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد.
- جریان‌ات قدرت نرم از ناحیه خالق به نفع مخلوق، منوط به شرط ایمان است.
- ایمان مقوله‌ای اعتقادی، استدلالی و عملی است که بدون تربیت محقق نمی‌شود.

نتیجه حاصل آمده از ناحیه سه رکن بالا را می‌توان در قالب چهارمین گزاره راهبردی قرآن کریم، چنین جمع‌بندی نمود:

گزاره ۴. خداوند متعال مؤمنان را از قدرت توحیدی خویش بهره‌مند می‌سازد.

معنای این گزاره آن است که «قدرت الهی» به مثابه منبع اصیل و کامل قدرت نرم، به نفع انسان‌ها فعال شده و عمل می‌نماید؛ البته مشروط به وجود «ایمان». مهم‌ترین گونه‌های قدرت الهی که خداوند متعال به مؤمنان وعده داده عبارتند از (نگاه کنید به جدول شماره ۳-۱۰):

الف. خداوند متعال توان بالفعل شما را زیاد می‌نماید (ردیف ۱)

ب. خداوند متعال از مؤمنان «دفاع» می‌نماید (ردیف ۲).

ج. خداوند متعال منابع قدرت دشمنان شما را تضعیف و یا نابود می‌نماید تا قدرت شما برتر گردد (ردیف ۳).

د. خداوند متعال از مؤمنان حفاظت می‌نماید (ردیف ۴).

ه. خداوند متعال با فرشتگانش به مؤمنان کمک می‌رساند (ردیف ۵).

و. خداوند متعال از طریق تقویت و تأیید سیاست‌های مؤمنان، ضریب نفوذ آن‌ها را تضمین و افزایش می‌دهد (ردیف ۶).

ز. خداوند متعال بدون واسطه به یاری مؤمنان می‌آید (ردیف ۷).

جدول ۳: گونه‌های قدرت نرم توحیدی

| ردیف | آیه شریفه | مستند |
|------|---|---|
| ۱ | زیادت الهی: ... وَ يَزِدُّكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ | قرآن کریم. سوره مبارکه هود (۱۱). آیه شریفه ۵۲. |
| ۲ | دفاع الهی: إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ | قرآن کریم. سوره مبارکه الحج (۲۲). آیه شریفه ۳۸. |
| ۳ | برخورد الهی: وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ | قرآن کریم. سوره مبارکه یونس (۱۰). آیه شریفه ۸۸. |
| ۴ | صیانت الهی: قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ | قرآن کریم. سوره مبارکه یوسف (۱۲). آیه شریفه ۳۳. |
| ۵ | امداد الهی: يُجِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ | قرآن کریم. سوره مبارکه آل عمران (۳). آیه شریفه ۱۲۵. |
| ۶ | تأیید: وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ | قرآن کریم. سوره مبارکه الانفال (۸). آیه شریفه ۶۲. |
| ۷ | نفرت: الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ | قرآن کریم. سوره مبارکه آل عمران (۳). آیه شریفه ۶۰. |

(افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲)

۲- منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم به عنوان شکلی از قدرت از مطالب افرادی چون نای یا لوکس (Lukes) منشأ نمی‌گیرد بلکه به فیلسوفان قدیمی چین همچون لاوزی (Laozi) به ۷ قرن قبل از میلاد بر می‌گردد. از این مطلب می‌توان زمینه‌های ظهور و بروز قدرت نرم در ایران را نیز بسیار طولانی دانست. قانون حمورابی و دستورات نوشته در آن که به عدالت و آزادی بین مردم تأکید می‌کرد یا اقدامات کوروش در هنگام برخورد با بابلیان و آزاد گذاشتن یهودیان بابل نمونه‌هایی از قدرت نرم ایران هستند. مشهودترین نمونه قدرت نرم به‌عنوان نیروی جذب که با عواطف و ارزش‌ها و باورهای مردم سروکار دارد را می‌توان پذیرش اسلام در ۵۷۰ م از سوی ایرانیان دانست.

ایران از هزاران سال پیش تاکنون به‌عنوان کشوری دارای تمدن شگفت‌انگیز در چهار راه تمدن‌های بزرگ بشری، از یک سو هم مرز با هندوستان، از سوی دیگر در مرز دایمی با

فرهنگ و تمدن بزرگ چین، از سمت غرب هم مرز با یونان و امپراتوری روم شرقی، از سمت شمال با روس‌ها و از سمت جنوب با اعراب مراوده و مواجهه دائمی داشته است (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۳۳)، امروزه نیز با مساحتی در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع (شایان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱) در منطقه حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی خلیج فارس واقع شده است.

ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به‌دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است.

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی قدرت به سخت و نرم، همان‌گونه که ماکس وبر در مورد گونه‌های ایدئال (Ideal Types) نظر دارد، در مقام تحلیل است و نه در مقام واقع، به این معنا که در واقعیت هیچ دولتی در جهان پیدا نمی‌شود که صرفاً واجد قدرت سخت یا نرم باشد، بلکه ترکیبی از قدرت‌های مختلف را با درجاتی کمتر یا بیشتر از این انواع را دارا است که براساس این محورها می‌توان گفت کشورهای دارای قدرت سخت بیشتر و قدرت نرم کمتر، از نظام‌های اقتدارگرا و کشورهای دارای قدرت نرم بیشتر و قدرت سخت کمتر از نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شوند. این دو نوع قدرت در واقع خاصیت هم‌افزایی بر یکدیگر دارند. به این معنا که قدرت نرم یک کشور که فتح قلوب و اذهان ملت‌ها است می‌تواند کشور را در مواقع بحرانی و جنگی نجات دهد و در مواقع عادی نیز با افزایش قدرت سخت و نیمه‌سخت، کارآمدی یک نظام سیاسی ارتقا یافته و می‌تواند منجر به افزایش قدرت نرم آن شود.

برخی از متفکرین غربی نظیر نوآم چامسکی و ادوارد هریمن، معتقدند که نقش تبلیغات و هیاهوی سیاسی در نظام لیبرال دموکراسی، همان نقش چماق و اجبار را در نظام‌های دیکتاتوری و تمامیت خواه ایفا می‌کند. عامل تعیین‌کننده در بقا و استمرار قدرت نخبگان حاکم در نظام‌های اقتدارگرا بیشتر از طریق به کارگیری زور و اجبار و نه تبلیغات است. در عوض، اصحاب قدرت در دموکراسی‌های موجود در غرب بیشترین نیاز را به تبلیغات، به‌جای زور و اجبار برای تداوم حکومت‌های خود دارند. در دموکراسی‌ها از لحاظ نظری این امکان برای اکثریت مردم وجود دارد که تغییرات اساسی را برخلاف منافع دارندگان قدرت و ثروت به وجود آورند، اما در مقام عمل، صاحبان ثروت و قدرت با به‌کارگیری اشکال گوناگون تبلیغات رسانه‌های انحصاری و مسلط به

دست‌کاری افکار و اذهان مردم می‌پردازند و با اغوا و فریب افکار عمومی، نقش اکثریت مردم را به تماشاگر و ناظر تقلیل داده و با ایجاد رضایت و اقعاع در بین توده‌ها، بقا و استمرار ناظم‌های لیبرال-دموکراسی را تضمین می‌کنند (Chomsky 1997; German and Chomsky 1988).

تاریخ اسلام نیز نشان می‌دهد که از بدو ظهور اسلام، توجه به قدرت نرم در مقابل قدرت سخت و نیمه سخت، کانون توجه اولیای دین بوده است. به‌طور مثال، محبت رمز نفوذ پیامبر(ص) در میان مردم و گسترش اسلام تاکنون بوده است. همان‌گونه که استاد مطهری در کتاب جاذبه و دافعه امام علی(ع) یادآور می‌شود:

علاقه و محبت زمام‌دار عامل بزرگی است برای اثبات و ادامه حیات حکومت و تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند. خداوند خطاب به پیغمبر در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌فرماید که ای پیغمبر! نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری: «به موجب لطف و رحمت الهی، تو بر ایشان نرم‌دل شدی که اگر تندخوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برای‌شان آمرزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن» (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) در اینجا علت گرایش مردم به پیامبر را علاقه و مهری دانسته که نبی اکرم(ص) نسبت به آنان مبذول می‌داشت.

برای تقریب به ذهن و تفکیک دو قدرت نرم مبتنی بر اغوا و ارشاد می‌توان دو نوع حکومت علوی و اموی را با یکدیگر مقایسه نموده در این خصوص کلام ۱۹۱ مولا علی(ع) در نهج‌البلاغه به خوبی تفاوت بین این دو را نشان می‌دهند. معاویه با به‌کارگیری انواع فریب، اغوا و نیرنگ و نگاه اهدافی به قدرت و دست‌یابی به حکومت به‌عنوان طمع در جریاناتی مانند رویداد حکمیت تلاش کرد با سیاست فریبکارانه قرآن بر سر نیزه کردن، نظرات مردم را به خود جلب کند. در حالی که امام(ع)، در نامه به عمل خود اشعث بن قیس در آذربایجان حکومت را به‌عنوان امانت در نظر می‌گیرد و نه لقمه چرب (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۵) و در سخن معروف خود به ابن عباس و در هنگام وصله زدن به کفش پاره‌اش: تنها در صورتی که قدرت و حکومت وی منجر به احقاق حق و دفع باطل گردد آنرا واجد ارزش می‌داند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۳).

در قدرت نرم مبتنی بر ارشاد رهبری از چنان جذاییتی برخوردار هست که پیروانش با جان و دل دستوراتش را می‌پذیرند، هر چند مورد تنبیه و مجازات وی قرار گیرند.

انقلاب ایران با تاثیرپذیری از مکتب ائمه در زمانی که در انقلاب‌های دیگر هم عصر این انقلاب، جهانیان حداکثر نظاره‌گر ابعاد مادی انقلاب‌ها نظیر رهایی از استبداد و کسب آزادی و تأمین معاش و مسکن بودند، وقوع چنین انقلابی با داعیه‌ی مذهبی و دینی که قدرت بسیج همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه‌ی انقلاب‌ها را نشان داد که یک انقلاب می‌تواند بر پایه‌ی قدرت معنوی و غیر مادی دین نیز استوار باشد و به پیروزی برسد. امری که در آن زمان غریب می‌نمود و باعث تعجب همگان بود که در قرون بیستم، قرن حاکمیت علم و تکنولوژی، قرن حاشیه‌نشینی دین در خلوت دل‌ها و دوری دین از صحنه‌ی اجتماع و سیاست، به ناگهان در گوشه‌ای از دنیا مردی از جنس عالمان دین و مرجع شیعیان، هدف از انقلاب خود را انقلاب برای اسلام اعلام کند آنهم در کشوری که شاه آن به دنبال تقلید کامل از غرب و فرهنگ غربی بود و مظاهر تمدن غربی را تمام و کامل تبلیغ و اجرا می‌کرد. این همان حکایت بُعد نرم‌افزاری انقلاب است که تا آن زمان از دیده‌ها پنهان مانده بود و با انقلاب ایران در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها خود را آشکار کرد. از این رو می‌توان گفت که انقلاب ایران انقلابی بر پایه‌ی قدرت بود که توانست بر قدرت سخت تا دندان مسلح رژیم پهلوی فائق آید و برتری قدرت نرم ایمان مذهبی را بر قدرت سخت اسلحه و تانک و مهمات به اثبات رساند. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در تحلیل خود از انقلاب اسلامی ایران بر همین نکته تأکید می‌کند و شاه و قدرت سرکوب آن را مظهر قدرت سخت و خشونت می‌داند و در مقابل قدرت تجمع شده‌ی مردم را که بر پایه‌ی اسلام ایجاد شده و اراده‌ی عمومی را شکل می‌دهد، جنبه‌ی نرم‌افزاری قدرت می‌خواند: «آنچه به همه‌ی اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد؛ رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیس‌ها مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ یافت؛ در یک سو، کل اراده مردم و در سوی دیگر، مسلسل‌ها قرار دارند» (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۸).

با توجه به اینکه هیچ نظامی بدون حمایت مردمی نمی‌تواند در مقابل دشمن و یا دشمنان داخلی و خارجی وجود پایدار بماند. بنابراین یکی از اصلی‌ترین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی حمایت قاطعانه مردمی بوده است که توانست کسری‌های ناشی از قدرت سخت و نیمه سخت نظام را جبران کند (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۴۴).

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث پیدایش نظریه‌ای در نظریات عام انقلاب‌ها تحت عنوان «نظریه فرهنگی انقلاب‌ها» (شجاعیان، ۱۳۸۲) شد که به واقع تجلی همان قدرت نرم انقلاب ایران است که ریشه در اعتقادات اسلامی و دینی دارد و باعث شد تا هم نظریه‌پردازان انقلاب به

این جنبه از انقلاب‌ها توجه کنند و هم ادبیات مربوط به این نظریه که تا قبل از انقلاب ایران بسیار فقیر بود، غنی شود و امروزه شاهد صدها کتاب و مقاله درباره‌ی انقلاب ایران باشیم که از منظر فرهنگی به تحلیل این انقلاب می‌پردازند؛ زیرا بر هیچ ناظری پنهان نیست که وجه غالب این انقلاب وجه فرهنگی آن است. همین امر باعث شده است که اخیراً در دورن نظریات فرهنگی انقلاب، نظریه‌ای تحت عنوان «مذهب عامل انقلاب» جای خود را در بین نظریات انقلاب باز کند و کسانی از اندیشمندان داخلی و خارجی در تحلیل انقلاب‌ها این تئوری مذهب و ایدئولوژی را به-عنوان مبنای نظری تحلیل خود قرار دهند (بوت، ۱۳۷۳: ۵۴-۴۵۳).

منصور معدل در این رابطه می‌نویسد:

«مشکل اساسی در تمامی نظریه‌های انقلاب ناشی از ناکامی آن‌ها در جدی گرفتن ایدئولوژی در توجیحات، مربوط به عوامل و فرایندهای انقلاب است. ایدئولوژی، عامل پدیدآورنده انقلاب است. ایدئولوژی به انقلاب چهره پدیده‌ای را می‌دهد که متمایز از مبارزه معمول بر سر قدرت است. انقلاب صورت خاصی از کنش تاریخی است. کنشی که ایدئولوژی بدان شکل بخشیده است» (معدل، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

به همین جهت است که مشاهده می‌کنیم بعد از وقوع انقلاب در ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ سمت و سوی نظریه‌پردازی در خصوص انقلاب‌ها متوجه کانون «فرهنگ» شد و از سلطه نظریات ساختاری انقلاب‌ها که در دهه ۱۹۷۰ توسط کسانی مانند اسکاچ پل در کتاب معروف «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» (اسکاچ پل، ۱۳۸۶) که سوار بر موج ساختارگرایی با تکیه بر دولت و طبقه و اقتصاد سیاسی حرکت می‌کرد، رهایی یافت و مسیر جدیدی را با تکیه بر عنصر فرهنگ و ایدئولوژی آغاز کرد. از این زمان به بعد، به جز نظریه‌پردازان انقلاب که در کتب و مقالات خود به صورت خاص به عنصر فرهنگ و ایدئولوژی توجه کردند، مرکز ثقل کتاب‌های درسی مربوط به انقلاب‌ها در دانشگاه‌ها نیز در رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی که در دو دهه اخیر به رشته تحریر درآمده‌اند، به ادعای نویسندگان آن‌ها بر روی عنصر فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب‌ها معطوف گشت. کتاب‌های درسی جان فورن تحت عنوان «نظریه‌پردازی انقلاب‌ها» و جک گلدستون تحت عنوان «مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها» (گلدستون، ۱۳۸۵) از آن جمله‌اند.

سؤال اساسی برای این دسته از اندیشمندان این بود که جایگاه فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب‌ها کجاست و چه ارتباطی می‌توانند با دولت و ساختار اجتماعی داشته باشند؟ اساساً فرهنگ و ایدئولوژی چگونه می‌توانند سؤال‌های همیشگی انقلاب‌ها را توضیح بدهند. امروزه، گرایش «جامعه‌شناسی فرهنگ» که از دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه‌های آمریکا رو به گسترش نهاده است، به

این حوزه توجه کرده است (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۰). از جمله نظریه‌پردازانی که به طور مشخص انقلاب‌ها را از منظر فرهنگ تحلیل کرده‌اند، ویلیام سیوول، تدا اسکاچپول، جان فورن و فریده فرهی را می‌توان نام برد. فریده فرهی در تحلیلی که انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه ارائه می‌کند معتقد است که نقش عقاید را نمی‌توان در این دو انقلاب نفی کرد. نقش کلیدی دین و الهیات آزادی‌بخش در این دو انقلاب بر همه آشکار است. در ایران و نیکاراگوئه، در فرایند عکس‌العمل به نیازهای متغیر اجتماعی، دستورالعمل مذهبی گسترش پیدا کرد و خود را به مرکز کشمکش‌های سیاسی کشاند (فرهی، ۱۳۷۵: ۱۹۱). همچنین، جان فورن با کمک از مفهوم «فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و مخالفت» در تحلیل انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه و السالوادور سعی دارد نشان دهد که نیروهای اجتماعی چگونه این فرهنگ‌ها را تفسیر و بازسازی می‌کنند (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۷۷).

نظریه‌پردازان انقلاب مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند زیرا هر انقلابی که در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهانی‌شمولی هم نداشته باشد حداقل براساس نظریه‌ی پخش یا اشاعه بر روی کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحولاتی انقلابی در آنها خواهد شد؛ همان‌گونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی‌هایی در عراق و بحرین و عربستان در همان روزهای اول پیروزی انقلاب شد (اسپوزیتو، ۱۳۷۸ و افتخاری، ۱۳۷۷). در زمینه‌ی صدور انقلاب اسلامی ایران نیز امروزه کتب و مقالات زیادی به رشته‌ی تحریر درآمده است که نظریات و دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران را در این زمینه منعکس کرده‌اند. در این رابطه، دو نظریه مطرح است: یکی صدور فیزیکی انقلاب که به دنبال ایجاد انقلاب مستمر در کشورهای دیگر است و دیگری صدور فرهنگی انقلاب که از آن به انقلاب مستقر یا نظریه ام‌القری یاد می‌شود و به جای صدور فیزیکی و خشونت‌آمیز انقلاب بر عناصر فرهنگی و صدور ارزش‌های انقلاب تأکید دارد (خرمشاد، ۱۳۹۱؛ دهقانی و رادفر، ۱۳۸۹، فلاح‌نژاد ۱۳۸۴؛ رضانی، ۱۳۷۸؛ اسپوزیتو، ۱۳۷۸؛ رجایی، ۱۳۷۳). منظور از صدور فرهنگی انقلاب عبارت است از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردمان مشتاق به نحوی که مقوله‌ی صدور بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی باشد؛ از این منظر صدور انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست بلکه صدور انقلاب استعاره‌ای برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام رهایی‌بخش و آزادی‌بخش

آن به انسان‌های علاقه‌مند می‌باشد. فرآیندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است.

صدور فرهنگی انقلاب در کشورهای مسلمان بر پایه‌ی مؤلفه‌های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزش‌های اسلامی و انسانی را مانند عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفین و محرومین را از طریق آگاهی‌بخشی ملت‌های دیگر و آشنا کردن آنها به حقوقشان دنبال می‌کند.

بنابراین ایدئولوژی اسلامی که منبع اصلی قدرت نرم انقلاب ایران است ذاتاً خصلتی فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانی جهان است که فراهم‌کننده‌ی همان ویژگی فراملی انقلاب ایران است و می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار کند و ارزش‌های معنوی و دینی و سیاسی خود را به آنها منتقل کند

لازم به ذکر است که نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی در تمایز با قدرت نرم به‌کار گرفته شده در نظام‌های لیبرال-دموکراسی غربی می‌باشد. چنانچه با استناد به آیه ۲۵۶ سوره‌ی بقره می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد که قدرت‌های متکی بر آموزه‌های الهی از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند. با توجه به این دو نوع تقسیم‌بندی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از نوع قدرت نرم رشد محور، به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید یا اغوا و عمدتاً بر پایه‌ی ارشاد محسوب می‌شود.

۲-۱- ایدئولوژی اسلامی

یکی از منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران که بر محمل آن ارزش‌ها و پیام‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان قابل انتقال است، ایدئولوژی مشترک اسلامی است که عامل وحدت‌بخش همه‌ی مسلمین جهان فارغ از هر گونه فرقه و مذهب است؛ زیرا همه‌ی آنها در مقابل یک پروردگار نماز می‌گذارند و روزه می‌گیرند و اعمال حج به‌جای می‌آورند و از یک قرآن و یک پیامبر دستور می‌گیرند و اینها برای ایجاد ارتباط بین الازدهانی مسلمانانی کافی است. مخصوصاً وقتی مسائل سیاسی آنها نیز با یکدیگر مشترکاتی داشته باشد؛ مثل اینکه همه‌ی آنها از حاکمان مستبد و وابسته‌ی به قدرت‌های خارجی و حضور استعمار در کشورهايشان که ثروت‌های ملی آنها را به یغما می‌برد و آنها را تحقیر می‌کند رنج می‌برند.

در این تصوی انقلاب ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی، که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی بود که نتواند در محدوده‌ی جغرافیایی ایران توقف نماید و می‌بایست

پیام آن و امواجش در درجه‌ی اول، به ملل مسلمان کشورهای همسایه و سپس به همه‌ی ملل مستضعف جهان برسد. از اینرو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسؤولان قرار گرفت و بدین سان، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب، که منبعث از دین مبین اسلام است، در برنامه‌ی کار انقلابیان قرار گرفت (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

اسلام و مذهب شیعه را می‌توان تنها منبع اصلی تغذیه انقلاب ایران دانست که به وسیله‌ی رهبری حضرت امام خمینی(ره) توانست خشونت را در جریان انقلاب به حداقل برساند و گروه‌های مختلف را زیر چتر اسلام و با شعارهای ساده‌ای مانند «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» متحد کند (عنایت، ۱۳۷۷: ۵۱). اگرچه عوامل اقتصادی و سیاسی و همچنین استبداد داخلی و استعمار خارجی در پیروزی رساندن انقلاب ایران نقش داشته‌اند، اما آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و وجه مشخصه‌ی این انقلاب است، تنها نقش دین است. حمید عنایت در این زمینه می‌نویسد: «من نقش مذهب را عنصر اصلی در کل مسأله انقلاب ایران می‌دانم.» «انقلاب ایران در جهت توسعه آگاهی مذهبی به وقوع پیوست که عمق وفاداری به مذهب شیعه را نمودار کرد. مذهب شیعه باعث شد تا انقلاب خصوصیتی را پیدا کند که در میان انقلاب‌های هم عصرمان جایگاه ویژه‌ای را پیدا کند» (عنایت، ۱۳۷۷: ۴۶).

اساساً این مطلب که انقلاب ایران را به دلیل ماهیت ایدئولوژیکی که دارد نمی‌توان در مرزهای داخلی آن محصور کرد، در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی قابل مشاهده است: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد بنابراین، در عین خودداری کامل از هر گونه داخل در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۶۸، اصل ۱۵۴).

همین معنا از قدرت نرم انقلاب ایران را که در سیاست خارجی نمود می‌یابد و قدرت تأثیرگذاری بر سایر جوامع را پیدا می‌کند. در سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی به کرات می‌توان مشاهده کرد که به یک نمونه از آنها اشاره می‌کند. امام (ره) می‌فرماید:

ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم(ص) اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).

۲-۲- معنویت در سیاست

مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است که این امر عمدتاً از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آنها را قانع می‌سازد که موضوعی را بپذیرند یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد شد. به‌عنوان مثال، اگر در تظاهرات ضد حکومت مصر و بحرین مردم از شعارهای الله اکبر و لا اله الا الله به تاسی از انقلاب ایران استفاده کردند و یا در انتفاضه‌ی اول و دوم فلسطین، مردم از سازش گروه‌های فلسطینی به ستوه آمدند و به تبعیت از انقلاب ایران از سنگ در مقابل توپ و تانک‌های دشمن اسرائیلی استفاده کردند و نام آن را ثوره‌الحجاره نامیدند، در واقع قبول ذهنی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است که بدون کاربرد زور و تنها به‌خاطر این که همان عمل مورد رضایت انقلابیون است و آن را راه مناسبی برای بیان خواسته‌ی خود می‌یابند، بدان کار مبادرت ورزیده‌اند. بنابراین، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در ماهیت فرهنگی آن نهفته است که می‌تواند توسط کشورهای هم‌آیین مورد بهره‌برداری قرار گیرد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۱).

در این زمینه اندیشمندان زیادی (چه داخلی و خارجی) انقلاب ایران را انقلاب معنوی می‌دانند که می‌تواند به‌عنوان یک قدرت نرم، منبع الهام‌بخش نهضت‌های اسلامی و کشورهای مسلمان باشد، کسانی نظیر: حامد الگار (الگار، بیتا: ۱۳؛ الگار، ۱۳۵۷: ۳۲۲)، مایکل فیشر، کلیم صدیقی (صدیقی، ۱۳۷۵)، تدا اسکاچپول (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۳۲) افزون بر نویسندگان ایرانی مانند منوچهر محمدی (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸۵، ۱۳۷۴)، عباسعلی عمید زنجانی (عمید زنجانی، ۱۳۶۷)، لیلی عشقی (عشقی، ۱۳۷۹)، افسانه‌ی نجم‌آبادی (نجم‌آبادی، ۱۳۷۷) و پوپک طاعتی (طاعتی، ۱۳۷۵).

۲-۳ نظریه مردم‌سالاری دینی

به واقع مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه مردم‌سالاری دینی هست که دارای مؤلفه‌هایی است که نه تنها در داخل، بسیاری از مشکلات کشور را حل کرده است بلکه در خارج از کشور نیز توانسته است بر ذهن و افکار دیگران تأثیر بگذارد و به‌عنوان مدل و الگویی برای حل مشکلات دیگر کشورها، مدنظر نخبگان و عموم مردم قرار گیرد.

مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران ارائه الگو و مدلی برای حل مشکلات عدیده‌ای مانند استبداد داخلی، وابستگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و توسعه یافتگی است که با

تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست و حکومت را ارائه کند که به‌عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه مورد توجه قرار گیرد این دستاورد همانا تجربه مردم‌سالاری دینی هست که توانست ضمن بهره‌برداری از عصاره مزایای تجارب بشری، در طول تاریخ نوعی نظام سیاسی را ساماندهی نماید که ضمن حفظ شکل مردم‌سالاری و جمهوریت، از لحاظ محتوا هویت اسلامی خود را حفظ نماید. این تجربه نشان داد که برای اداره کشور لازم نیست فقط به الگوهای موجود همچون لیبرال-دموکراسی، بسنده نمود و ضمن استفاده از تجارب گران‌قدر بشری آن را با ارزش‌های گران‌قدر اسلامی گره زد. جمهوری اسلامی ایران مغز تفکر این تجربه جدید بود.

مدل مردم‌سالاری دینی، پس از رحلت امام(ره)، از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان مدل بازسازی شده از نظریه ولایت فقیه حضرت امام(ره) برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلام مطرح شده است از نگاه ایشان در مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان یک حقیقت واحد در جوهر نظام اسلامی، ضمن آنکه مردم در حکومت تعیین شخص حاکم دارای نقش هستند. احکام و مقررات اسلامی بر زندگی مردم حکومت می‌کند.

برخی، مردم‌سالاری دینی را ترکیبی از دو واژه مردم‌سالاری و دینی دانسته‌اند؛ در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان اسلامی آن را واژه مرکب نمی‌دانند. آنان قائل‌اند که مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیبی دینی و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد در جوهر نظام اسلامی است؛ یعنی اگر بنا باشد نظامی بر مبنای دین شکل گیرد، بدون پذیرش مردم ممکن نیست ضمن آنکه تحقیق مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین در یک جامعه دینی امکان‌پذیر نیست (روزنامه اطلاعات، ۱۴/۱۰/۸۲).

بنابراین ضمن تأکید تفکیک‌ناپذیری دو واژه مردم‌سالاری و دینی از یکدیگر، ارائه نظریه مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با نظام‌های دیگر موجود در کشورهای مختلف، براساس دو بُعد ولایت فقیه عادل و مردم‌سالاری، به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

در نظریه مردم‌سالاری دینی بحث یک یا چند نفر حاکم از لحاظ کمی بیشتر جنبه فرمال دارد و از لحاظ نظری هیچکس غیر از خداوند بر دیگر حق حاکمیت ندارد (إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ) (سوره انعام آیه ۵۷) و فقط با مجوز الهی می‌باشد که حاکمیت خداوند در معصومین (پیامبر و ائمه) تجلی پیدا می‌نماید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا الْأَمْرَ مِنْكُمْ) (سوره نساء آیه ۵۹) و در زمان غیبت امام معصوم نیز حاکمیت از آن فقیه عادل هست. همان‌گونه که امام صادق(ع) در جملات کوتاه و جامعی، ضمن بیان مشخصه‌های «فقها» فرمودند: «هر کس از فقیهان، که

خویش‌ن‌دار، پاسدار دین، مخالف هوای نفس و مطیع امر مولای خویش (امام و حجت بر حق الهی) باشد، بر دیگران است که از او پیروی نمایند» (و اما من کان منا الفقها، صائنا لنفسه حافظا لدینه، مخالفاً علی هوا، مطیعاً لامر مولاء فللعوام این یقلدوه) (طبرسی، ۱۴۱۳، جلد ۳: ۲۶۳). بنابراین، اولین ویژگی نظریه مردم‌سالاری حاکمیت فقیه عادل در زمان غیبت امام معصوم است که در تمایز با نظام‌های سیاسی موجود در جهان می‌باشد که در آن حاکمیت یک نفر (حکومت‌های سلطنتی و استبدادی)، چند نفر (حکومت‌های نظامی و یا جزبی)، و یا به نام دموکراسی‌های لیبرال در نوسان هست.

همان‌گونه که ایجاد و استقرار حکومت اسلامی و حاکمیت الهی یکی از آرمان‌های مردم ایران در جریان انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آمد، در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن تأکید بر حاکمیت الهی، توجه به آرای مردم و انتخابات به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اعمال حق حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی بیان گردیده است. در این راستا از ویژگی‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی امور کشور با اتکاء به آرای عمومی است که در اصل ششم قانون اساسی و در اصول کلی آن آورده شده است. این اصل تأکید دارد که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات، انتخابات رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» (قانون اساسی، ۱۳۸۲: اصل ششم). در نتیجه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی راه را بر روی هرگونه ورود زمامداری از طریق غیرمردمی (فتح، وراثت و نظایر آن) می‌بندد (هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۷۲). بدین ترتیب علاوه بر آن که حاکمیت الهی در صدر و حاکمیت مردمی در طول آن قرار گرفته است، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان نظامی بی‌بدیل که در آن حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی با هم مورد توجه قرار گرفته‌اند، شناخته می‌شود و از این منظر قابل قیاس با هیچ کشوری نمی‌باشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران با ارائه «گفتمان انقلاب اسلامی» هم از نظر آرمان ایجاد و استقرار حکومت اسلامی و حاکمیت الهی و هم از حیث برقراری حاکمیت مردمی در طول حاکمیت الهی، نظامی بی‌همتا در جهان محسوب می‌شود. به همین سبب نیز چنانچه هر یک از ابعاد حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی، که در دو وجه اسلامی بودن و جمهوریت نظام تجلی یافته است، خدشه‌دار شود، انقلاب اسلامی از دستیابی به یکی از مهم‌ترین آرمان‌های خود دور خواهد ماند و بدین ترتیب با چالش‌های زیادی مواجه خواهد گشت.

۲-۴ - قرائت اصیل از اسلام و برقراری حاکمیت الهی

مطابق قرائت اصیل از اسلام، مفهوم رهبری چه به معنای دینی و معنوی‌اش و چه به معنای اجتماعی و سیاسی‌اش، از بطن اسلام نشأت می‌گیرد و قدرتشان به معنای دقیق کلمه از مردم نشأت می‌گیرد آن هم از عمق وجدان و شعور دینی مردم و نه از احساسات سطحی، زودگذر و غیر ثابتشان. با نگرشی عمیق‌تر باید گفت که این قدرت اصولاً معنوی است و نه مادی که تحقق این قدرت معنوی، به صورت قدرت اجتماعی و سیاسی تجلی می‌کند (مرتضوی امامی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

یکی دیگر از مباحثی که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مطرح گردید، تشکیل «حکومت مبتنی بر ولایت فقیه» بود که به طور مستقیم از اندیشه‌های امام خمینی ناشی می‌شد. در واقع امام خمینی (ره) سال‌ها قبل از انقلاب، با طرح نظریه‌ی ولایت فقیه، گام مهمی در سامان دادن به اندیشه‌های مردم و تعیین اهداف آن‌ها ایفا نمود و بر ویرانه‌های سلطنت و «اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری و شاهنشاهی»، نظام جمهوری اسلامی را بر پایه‌ی «نظریه‌ی ولایت مطلقه‌ی فقیه» استوار گردانید.

امام خمینی (ره)، «اصل ولایت فقیه» را به عنوان «دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی» احیا کرد و با خارج نمودن بحث از حوزه‌ی «فقه»، آن را در جایگاه «کلام» مطرح نمود. از این منظر وقتی ولایت فقیه در فقه مطرح می‌شود، جزو فروع دین قرار می‌گیرد که در حیطه‌ی استنباط و اجتهاد فقها است و محدوده‌ی اختیارات آن را فقها تعیین می‌کنند؛ اما هنگامی که در کلام مطرح می‌شود، به مفهوم تداوم امامت است و ضمن حاکم شدن بر فقه، جزو اصول دین محسوب می‌گردد و سراسر فقه در پرتو شعاع آن روشن می‌شود. بنابراین نخستین ویژگی نظریه‌ی امام خمینی (ره) نسبت به سایر فقها از ابتکار و تحولی اساسی برخوردار بود (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۲۸۱).

علاوه بر این، امام در شرایطی بحث ولایت فقیه را مطرح کرد که چهارده قرن از تشکیل واقعی حکومت اسلامی به طور عینی و عملی می‌گذشت و با توجه به تحولات عظیم عصر جدید و تبلیغات منفی مخالفان اسلام، حکومت اسلامی امری مبهم و نامفهوم بود (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۰۱). در چنین شرایطی، امام همه‌ی تلاش خود را به کار برد تا ولایت و حاکمیت را برای فقها اثبات کند و این کار را با زبانی ساده و در عین حال مستند به آیات قرآنی، اخبار و احادیث و با دلایل عقلی انجام داد.

طرح نظریه‌ی ولایت فقیه از سوی امام و پیروی مردم ایران از این نظریه، علاوه بر اینکه تحولی عمده در طول تاریخ تشیع محسوب می‌شود، به عنوان یکی از آرمان‌های بزرگ ملت ایران در جریان انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌آید. افزون بر این، بر مبنای نظریه‌ی ولایت فقیه که از

یک سو بر روند کلی فقهت مصطلح و از سوی دیگر بر مردم انقلابی تأثیر گذاشت، مباحث مربوط به حاکمیت الهی عمومیت یافت و امام خمینی برپایی حاکمیت الهی را در قالب نظریه‌ی ولایت فقیه سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار داد و آن را تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحقق حاکمیت الهی، تداوم بخشید.

۲-۵- ارزش‌های شهادت و عدالت

«ارزش‌های عدالت و شهادت» نیز از دیگر «عناصر گفتمان انقلاب اسلامی ایران» به‌شمار می‌رود که با تأسی از نهضت تاریخی سالار شهیدان و قیام کربلا مانند خون در رگه‌های فرهنگ شیعه جریان دارد. ارزش عدالت معطوف به یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف دولت جمهوری اسلامی می‌باشد که منجر به تمایز آن از نظام‌های لیبرال-دموکراسی غربی و نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی شده است. به واقع ارزش اساسی که یک نظام اسلامی، حداقل از لحاظ نظری، بر آن تأکید می‌کند عدالت می‌باشد و نه برابری کمونیستی و آزادی مورد ادعای لیبرالیست‌ها. در این نوع از نظام سیاسی اختلافات و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از شایستگی‌ها و توانمندی‌ها به رسمیت شناخته شده است و با ساز و کارهایی الزامی از جمله اخذ مالیات‌های اسلامی و راهکارهای داوطلبانه مانند انفاق بر اجرای عدالت و کاهش فاصله عمیق طبقاتی به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی تأکید می‌شود. یکی دیگر از مؤلفه‌ها و عناصر قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی، شهادت‌طلبی به‌عنوان یک ارزش در برابر ظلم مستبدین و متجاوزین خارجی هست که با تأسی از فرهنگ تاریخ‌ساز تاسوعا و عاشورای حسینی نقش مهم و کلیدی در بسیج و پیروزی ملت مسلمان ایران در مقابل رژیم ستم شاهی، مقابله با تجاوز نظامی رژیم بعثی و توطئه‌های داخلی و خارجی پس از انقلاب داشته است.

قرآن کریم شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا را هنر کسانی می‌داند که زندگی اخروی و خشنودی خداوند را بر زندگی ناپایدار دنیا برگزیدند: «پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد» (فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (سوره نساء: آیه ۷۴) تا دستیابی به شهادت از راه و هدف خود دست برندارند «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید سستی نوزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبانیان را دوست دارد. (وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ) (آل عمران، آیه ۱۴۶)؛ بر تقدیم

دوستی جهاد در راه خدا بر خویشان و اموال خود اصرار دارند «بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتي که از کسادهش بیمناکند و سراهایی خوش می‌دارید تا خدا فرمانش را [به اجزا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند(سوره توبه: آیه ۶۴)؛ و به رغم احتیاج خود نیاز دیگران را بر خود برگزیدند «و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند (سوره حشر: آیه ۹). عشق به ایثار و شهادت آنچنان با افکار و اندیشه‌های مؤمنین به اسلام ناب آمیخته شده است که برای شوق وصال یار حاضرند همه زندگی خود را فدای آن کند، همان گونه که مولا علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر عشق به مقام شهادت میراث حق نبود اصلاً به جنگ با دشمن نمی‌پرداختیم و از شما جدا می‌شدم (وَاللَّهِ لَوْلَا دَخَانِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوِّ — وَلَوْ قَدْ حُمَّيْ لِقَاؤُهُ — لَعَرَبْتُ رَكَابِي ثُمَّ شَخَّصْتُ عَنْكُمْ، فَلَا أَطْلُبُكُمْ) (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۱۱۹).

بر این اساس است که همواره نقاط عطف و سرنوشت‌ساز قیام مردم ایران در ماه محرم و به-خصوص ایام تاسوعا و عاشورای حسینی رقم خورده است. قیام ۱۵ خرداد و راهپیمایی‌های میلیونی مردم ایران در تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ که منجر به فرار شاه از ایران شد، از نمونه‌های بارز این موضوع است هنگامی که مردم، حکومت شاه را سمبل حکومت یزید معرفی کردند، سبب ایجاد اوج تنفر و انزجار و بسته شدن هر گونه راه آشتی با وی شد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۲۲). نقش فرهنگ شهادت و ایثار، پیروزی خون بر شمشیر، در ۲۲ بهمن سال ۵۷ نیز غیرقابل انکار است که در آن مردم انقلابی با دست خالی به مقابله با توپ و تانک و مسلسل‌های مزدوران طاغوت رفتند. اوج تجلی فرهنگ شهادت‌طلبی در هشت سال دفاع مقدس نمایان شد، چرا که شهادت‌طلبان بسیجی با کمترین تجهیزات سخت‌افزاری توانستند بر ارتش تا دندان مسلح متجاوز بعثی که توسط استکبار جهانی و اذنان منطقه‌ای و بین‌المللی آن حمایت می‌شد، پیروز شوند. این فرهنگ به هیچ وجه قابل مقایسه با فرهنگ خودخواهی، سودپرستی، استثمار، استعمار و سیاست‌های مداخله‌جویانه مدعیان لیبرال-دموکراسی در غرب و سوسیالیسم در شرق نمی‌باشد. آن‌هایی که برای رضای نیازهای مادی و دنیوی خود وارد میدان کارزار علیه مردم مظلوم فلسطین، لبنان، افغانستان و عراق شدند (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۰).

فرانسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز نئومحافظه‌کار آمریکایی در یک سخنرانی معروف با عنوان بازشناسی هویت شیعه می‌گوید:

شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد، یکی بال سبز و یک بال سرخ، بال سبز این پرنده مهدویت و عدالت‌خواهی و بال سرخ او،

شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد. این دو بال شیعه را فناپذیر کرده است. اما این پرنده، زرهی به نام ولایت‌پذیری به تن دارد که با آن زره قدرت‌ش دو چندان می‌شود. در میان مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که به ولایت فقهی نظر دارد. یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد. این نگاه برتر از نظریه‌ی نخبگان افلاطون است (فوکویاما به نقل از ایزدی: ۱۳۸۷، ۸).

۲-۶- استقلال‌طلبی و نفی وابستگی و سلطه

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و عناصر قدرت نرم «گفتمان انقلاب اسلامی»، «ارزش‌های تفکیک‌ناپذیر آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی» می‌باشد. دو مشکل اساسی جامعه ایران و بسیاری از کشورهای منطقه در سده‌های اخیر، یعنی استبداد و وابستگی، چنان به هم گره‌خورده که انفکاک یکی از دیگری میسر نیست و منجر به شکست مدل‌ها و تئوری‌هایی شده که فقط یکی از آن‌ها را مورد توجه قرار دادند. نهضت‌های اسلامی در سده اخیر در ایران نشان داده که مدل‌های لیبرالیستی و یا سوسیالیستی برای مقابله با استبداد در ایران بدون توجه به وابستگی حاکمان این کشورها به خارج از کشورها شکست خورده‌اند. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه ارزشمند دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها در بی‌توجهی سران نهضت به ارتباط بین دو پدیده استبداد داخلی و وابستگی بیرونی به یکدیگر هست و این چیزی بود که در شعار استقلال، آزادی جمهوری اسلامی ملت ایران تبلور یافت.

تفکر مقابله با سلطه جهانی و دستیابی به استقلال در ابعاد مختلف آن برآمده از اصل نفی سبیل و اصل تولی و تبری است که ریشه در آیات قرآنی دارد که در آن‌ها وابستگی به هر شکلی مردود اعلام شده است: در سوره نساء آیه ۱۴۱، «هیچ‌گاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مؤمنین قرار نداده است» (وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) مسلمانان را از اینکه دوستی و ولایت غیر مسلمان را بپذیرند سخت برحذر داشته است «ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید».

بدیهی است که نفی سلطه به معنای نداشتن رابطه با دیگر ملت‌ها نمی‌باشد. بلکه در اسلام اصل بر ایجاد رابطه هست (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (آل عمران، آیه ۲۰۰)، الا در مواردیکه منجر به تسلط بیگانگان بر مسلمانان گردد.

آرمان استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود که از سال ۴۲ به بعد منجر به اعتراض به قانون کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) و ایستادگی ملت

مسلمانان ایران در مقابل استبداد رژیم سلطنتی مورد حمایت نظام سلطه گردید. پیروزی نهضت عظیم ملت بزرگ ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر به فروپاشی استبداد داخلی و سلطه خارجی حامی آن و در هم شکستن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی شد که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

بنابراین یکی از علل جاذبه نظام جمهوری اسلامی ایران و «گفتمان انقلاب اسلامی» در میان مردم مسلمان و مستضعف جهان همین مؤلفه استقلال‌طلبی و اصل نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی ایران هست که برآمده از ضدیت ملت ایران با نظام سلطه است. به رغم اهمیت اصل استقلال و آزادی، به مثابه مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی، تفکیک بین این دو از یکدیگر می‌تواند خطرات و تهدیدهایی را برای هر دوی آن‌ها در برداشته باشد. چه بسا از آزادی سوء استفاده شود و وسیله‌ای برای حمایت از گرایش‌های لیبرالیستی، سکولاریستی و اومانیستی، سلطه نظامی، اقتصادی، و فرهنگی بیگانه بر کشور و تجاوز به حقوق و آزادی‌های دیگران قرار گیرد. همین‌طور، استقلال‌طلبی هم می‌تواند مجوزی برای تفکرات ناسیونالیستی افراطی و بی‌توجهی به حقوق دیگر مسلمانان و انسان‌های مستضعف در گوشه و کنار جهان و یا توجیهی برای اختناق و سلب آزادی و حقوق مشروع و قانونی دیگر مذاهب اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و سیاسی گردد. دغدغه‌های فوق‌الذکر و تفکیک‌ناپذیری دو اصل مهم استقلال و آزادی از یکدیگر به خوبی در اصل نهم قانون اساسی به آن اشاره است:

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمایت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنجا وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارند به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۶).

«استقلال» و «نفی وابستگی و سلطه» از جمله مفاهیمی هستند که در جریان انقلاب اسلامی برای بیان شدت سرکوب‌گری و ظلم رژیم پهلوی بر مردم ایران از یک سو و ضعف و ناتوانی این رژیم در برابر قدرت‌های بزرگ نظیر ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رواج یافتند. بر این اساس «سلطه‌گری» به جنبه‌ی داخلی اعمال رژیم پهلوی و «سلطه‌پذیری» به روابط خارجی این رژیم با غرب اشاره داشت.

۷-۲- نفی سلطه‌گری در داخل

سلطه، جلوه‌ی ملموس اعمال قدرت از طریق مجموعه‌ای از روابط پیچیده است که شامل نظارت اجتماعی، قواعد و الزامات درونی شده و مورد قبول انسان‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، سلطه صورت عینی قدرت سیاسی است؛ چرا که قدرت سیاسی، قدرتی ارتباطی است و در نتیجه با سلطه مترادف می‌باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۳). بنابراین ذات قدرت بر «سلطه‌طلبی» و «انحصار» دلالت دارد. از این رو همواره سلطه با اعمال قدرت همراه است و علاوه بر آن که راه مشارکت سیاسی - اجتماعی را سد می‌کند، نوعی مبارزه میان نیروهای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نیز برقرار می‌سازد. در ایران نیز می‌توان از استبداد سیاسی، خفقان مطلق العنان و نامحدود بودن اختیارات و قدرت شاه، فقدان قانون و امنیت فردی، دخالت و نفوذ بیگانگان بر امور کشور، سرکوب مخالفان و قلع و قمع هر فکر و اندیشه‌ای که حکومت آن را نمی‌پسندید یا به مصلحت نمی‌دانست، به عنوان نمونه‌های بارز سلطه‌گری رژیم پهلوی یاد کرد. بر این اساس یکی از مصادیق بارز مبارزات گسترده‌ی مردم بر علیه رژیم پهلوی را می‌توان در مسأله‌ی سلطه‌طلبی این رژیم و سلطه‌ستیزی انقلابیون مشاهده نمود. در واقع انحصار قدرت و به تبع آن تمام ارکان سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در دست عده‌ای محدود از درباریان و وابستگان آن‌ها، یکی از دلایل حرکت عظیم مردم بود که در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی خاتمه یافت.

در این بین امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، یکی از راهکارهای مستنبط از آموزه‌های دینی را مواجهه با سلطه‌جویی مستکبرین، قیام و ایستادگی در برابر ظلم و ستم آن‌ها می‌دانست. همچنین امام با توسل به «اصل توحید» معتقد بود که «انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۱۶۶). از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی نیز امام فلسفه‌ی حکومت در اسلام را نه ریاست و سلطه و استیلا، بلکه خدمتگزاری قلمداد نمود و اعتقاد داشت که «اسلام در رابطه‌ی بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی را معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز رابطه‌ی مسلط و زیرسلطه به وجود نمی‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۱۹۰-۱۸۹).

بنابراین تکیه بر این اصل که حاکم ستمگر شایسته‌ی اطاعت نیست و اساساً قدرت منحرف، حق سلطه ندارد از یک سو مردم ایران را به رویارویی با رژیم سلطه‌گر پهلوی واداشت و از سوی دیگر نفی سلطه در داخل را به‌عنوان یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی درآورد. در نتیجه

محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی به‌عنوان یکی از آرمان‌های «گفتمان انقلاب اسلامی»، استبداد رژیم پهلوی را به چالش طلبید و در نهایت نیز بر آن فائق شد.

۲-۸- نفی سلطه‌پذیری در خارج

«گفتمان انقلاب اسلامی» ایران که با هدف «نفی سلطه‌ی فرهنگی اجنبی و نشر فرهنگ غنی اسلامی»، تحول شگرفی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر جهان پدید آورده بود، با تمام قدرت‌هایی که به دنبال استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها، در جهات نادرست و انحرافی بودند، به «مخاصمه» برخاست و به طور همزمان «کمونیسم» و «کاپیتالیسم» را به چالش فراخواند. به همین سبب شهید مطهری در مورد نفی سلطه و استبداد در جریان انقلاب اسلامی معتقد بود:

«نهضت ما توانست موفقیت بسیار بزرگ دیگری کسب بکند و آن از بین بردن خودباختگی ملت ما در برابر غرب- به معنی اعم آن یعنی بلوک غرب و شرق- بود. نهضت ما توانست به مردم بگوید که شما خود یک مکتب و یک فکر مستقل دارید. خود می‌توانید بر روی پای خود بایستید و تنها به خود اتکا داشته باشید» (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۵).

بنابراین عنصر سلطه‌ستیزی در جریان انقلاب اسلامی نه تنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌های ملت ایران مطرح شد، بلکه پیام استقلال، آزادی و رهایی از بند اسارت سلطه‌گران را نیز به مسلمانان جهان ابلاغ نمود. زیرا انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) که حکایت از پایان سلطه‌ی یکجانبه‌ی حکومت بر مردم و همچنین سلطه‌ی قدرت‌های خارجی بر رژیم پهلوی داشت، انقلابی غایت‌گرا و آرمان‌گرا مبتنی بر اصول اسلامی بود که به رهبری امام خمینی(ره) تحول شگرفی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولت‌های جهان پدید آورد. به خصوص که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در شرایطی حاصل شد که هنوز جنگ سرد وجود داشت و دو قدرت برتر به مقابله‌ی هژمونیک و ایدئولوژیک با یکدیگر می‌پرداختند.

در چنین ایامی، یکی از مهم‌ترین متحدان استراتژیک آمریکا که گاه نقش «ژاندارم منطقه» را ایفا می‌کرد و گاه از آن با عنوان «جزیره‌ی ثبات» یاد می‌شد، الگوی توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای را دستخوش تحول اساسی کرد و ماهیت سلطه‌آمیز نظام بین‌الملل و قواعد حاکم بر روابط و مناسبات بین‌المللی را به چالش طلبید. در نتیجه تحقق استقلال در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی و همچنین خروج از سلطه‌ی شرق و غرب و عدم اتکاء به سیاست قدرت‌های شرقی و غربی از جمله آرمان‌های بزرگ «گفتمان انقلاب اسلامی» محسوب می‌گردند که در نهایت نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محقق شدند. به نحوی که مطابق با

قانون اساسی که از آرمان‌های انقلاب اسلامی نشأت گرفته است، جمهوری اسلامی نه قصد استیلا بر مقدرات سایر ملت‌ها را دارد و نه سلطه‌ی هیچ قدرتی را بر خود تحمل می‌کند (قانون اساسی، اصل ۱۵۲). در نتیجه هرگونه عمل مغایر با اصول فوق می‌تواند انقلاب اسلامی را از نیل به اهداف خود بازدارد و چنین امری به مثابه تهدیدی خطیر برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

به اعتراف اکثر نویسندگان داخلی و خارجی، ویژگی بارز انقلاب اسلامی ایران وجه فرهنگی آن است. بستر قدرت نرم در سیاست خارجی نیز بر محور فرهنگ استوار است که در قالب دیپلماسی عمومی می‌توان از آن به‌عنوان صدور فرهنگی انقلاب یاد کرد. منظور از صدور فرهنگی انقلاب، بهره‌گیری از قدرت نرم جهت تأثیرگذاری بر دیگران بدون استفاده از عناصر فیزیکی و زور است؛ به‌گونه‌ای که بتوان بر افکار و عمل آن‌ها اثر گذاشت و آنها را به انجام اعمالی مشابه آن چه که در کشوری که در آن انقلاب شده است وادار ساخت. این چارچوب به‌عنوان مبنای نظری این مقاله انتخاب شده است. ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران که خصلتی فراملی دارد و زبان مشترک ارتباط با کشورهای مسلمان است، به‌همراه حضور معنویت در سیاست که به‌وسیله‌ی انقلاب دینی امام خمینی(ره) وارد ادبیات سیاسی شد و توانست در عرض مدت کوتاهی علم سیاست مبتنی بر حضور عناصر مادی در سیاست غربی‌ها را به چالش بکشد، عناصری هستند که می‌توانند به‌عنوان دو منبع اصلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های اسلامی منطقه مورد استفاده و بازخوانی مجدد قرار گیرند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی در تمایز با قدرت نرم به کار گرفته شده در نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی می‌باشد. با استناد به آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند؛ و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد که قدرت‌های الهی از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند. با توجه به این دو نوع تقسیم‌بندی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از نوع قدرت نرم رشد محور به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا اغوا، و عمدتاً بر پایه‌ی ارشاد محسوب می‌شود.

در خصوص مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان آن را مرکب از سه عنصر تفکیک‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی، یعنی نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن □ ۱۳۵

شهادت و عدالت، و اصول استقلال آزادی، دانست. این مؤلفه‌های سه گانه نیز خود از مستبسط از مبانی اسلام اصیل، به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است.

منابع

۱. اسکاچپل، تدا، (۱۳۸۶)، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین‌تن، تهران، سروش.
۲. اسپوزیتو، جان، (۱۳۷۸)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۳. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۷)، «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲، (زمستان).
۴. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۵. ایزدی، حجت‌الله، (۱۳۸۷)، «قدرت نرم در نهضت پیامبر: با تأکید بر غزوه بدر»، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۶. بوت، جان. ای (تابستان و پاییز ۱۳۷۳)، «نظریه‌های مذهب و قیام: تجربه آمریکای مرکزی»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۲
۷. جمال‌زاده، ناصر، (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه»، فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی ایران، سال اول، شماره ۴
۸. خرمشاد، محمدباقر، (۱۳۹۱)، بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظر، تهران، انتشارات سمت.
۹. رمضان‌نی، روح‌الله، (تابستان ۱۳۷۸)، «صدور انقلاب ایران: سیاست‌ها، اهداف و ابزار»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲.

۱۳۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۴، پاییز ۹۴، ش ۱۴

۱۰. رجایی، فرهنگ، (۱۳۷۳)، ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب، تهران، شرکت احیای کتاب.
۱۱. شایان، سیاوش و همکاران، (۱۳۸۹)، جغرافیای دوم متوسطه، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۲. شجاعیان، محمد، (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. شفیعی‌فر، محمد، (۱۳۷۸)، مدخلی بر انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، انتشارات تهذیب.
۱۴. صدیقی، کلیم، (۱۳۷۵)، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۵. طاعتی، پوپک، (بهار ۱۳۷۵)، «انقلاب اسلامی ایران: یک تحلیل اجتماعی - فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، ش ۹.
۱۶. طبرسی، احمدبن علی، (۱۴۱۳ق)، احتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، تصحیح جعفر سبحانی، قم، اسوه.
۱۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
۱۸. عنایت، حمید، (۱۳۷۷)، انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی، ترجمه‌ی امیر اسعد اللهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۷-۱۳۸.
۱۹. عشقی، لیلی، (۱۳۷۹)، زمانی غیر از زمان‌ها، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، انتشارات باز.
۲۰. فلاح‌نژاد، علی، (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی ایران و سیاست صدور انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
۲۱. فورن، جان، (۱۳۸۴)، نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۲. فرهی، فریده، (تابستان ۱۳۷۵)، «فروپاشی دولت و انقلاب‌های شهری: تحلیلی تطبیقی از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن □ ۱۳۷

۲۳. فوکو، میشل، (۱۳۷۹)، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکوسرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
۲۴. گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۵. گلدستون، جک، (۱۳۸۵)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۲۶. محمدی، منوچهر، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۷. محمدی، منوچهر، (۱۳۶۵)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۸. مرتضوی امامی زواره، سیدعلی، (زمستان ۱۳۸۹)، «جنگ نرم: صورت و سیرت انقلاب اسلامی»، فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، پیروان انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. معدل، منصور، (۱۳۸۲)، طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران، ترجمه‌ی محمد سالار کسرای، فصلنامه متین، شماره ۱، زمستان.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، صحیفه نور، جلد ۱۰، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۲. نجم‌آبادی، افسانه، (زمستان ۱۳۷۷)، «بازگشت به اسلام: از مدرنیسم به نظم اخلاقی»، ترجمه عباس کشاورز شکری، پژوهشنامه متین، شماره ۱.
۳۳. نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت.
۳۴. هاشمی، محمد، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۵. هرسیج، حسین، (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل و ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره اول، شماره ۳.

36. chomsky noam media control : the spectacular of proparanda.open media pamphlet series : New York : seven stories press.1997.